

تلاطم نظام نظام هستی پر شهادت امام حسین

مصدر ضابطی

مصدر ضابطی جاری

پیش درآمد

حادثه عاشورا را با توجه به ماهیت و اهداف و مقاصد آن، یکی از عظیم‌ترین واقعه در نظام هستی برآورد کردیم. در این مقاله، قهرمان و شخصیت خادکه، شخصیتی محسوب می‌شود که علی‌الغالب؛ برترین هدف آن، احاطه انسانیت است. این شخصیت، مهم‌ترین پیامد آن یقین اسلام است. این شخصیت، ویژگی‌ها از عصر آدم علیه السلام تا بعثت صلوات الله علیه نداشته است؛ اسلام که با بعثت این شخصیت، هستی رخ نمود، در بقایش ریزه‌خوار می‌شود.

برای بررسی ابعاد عظمت این واقعه، می‌توانیم گزارش‌های مربوط به گریه نظام هستی بر کشته شدن حسین علیه السلام را مطالعه کنیم. اما آنچه اکنون در دسترس ما قرار دارد، گزارشی است که به ویژه گریه آسمان، این گزارشی است که گزارشی‌هایی هستند که بر مجموعه‌ای از تحولات عظیم و عجیب پس از شهادت امام حسین علیه السلام دلالت دارند. این روایات را هم در منابع روایی و تاریخی سنت می‌توان یافت. تعدادی از این خوارق عظمی توسط برخی از امامان شیعه علیهم السلام و همچنین امام حسن مجتبی علیه السلام، امام سجاد علیه السلام، امام صادق علیه السلام، امام رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام نقل شده، و تعدادی نیز از سوی برخی از اصحاب ائمه ابرذر، میثم تمار، ابن عباس و ام سلمه گزارش شده است. در روایات اهل سنت نیز تعداد زیادی روایت نقل می‌خورند که به رجال ناقل حدیث منتهی می‌شوند. روایات نیز منقول از سوی برخی بزرگان و ائمه اهل سنت روایاتی نیز به صورت مرسل نقل شده و برخی از این روایات نیز بدون اشاره به سند، به نفس خوانده‌اند و گاهی گاه بعضی از خوارق عادت، منقول از برخی صحابه و تابعان وابستگان و مأموران آن‌هاست.

یکی از مسائل مهم در این بحث، بررسی روایات مؤلفان اهل سنت در پرداختن تفصیلی به خوارق عظمی شهادت امام حسین علیه السلام است. به راستی، چه مقدار توجه خاص نسبت به این بعد از قیام امام حسین علیه السلام سنتی می‌توان یافت؟

برخی از محققان معاصر معتقدند، این که آنان در



ماهیت و انگیزه و فلسفه قیام، توجه لازم را مبذول نداشته‌اند، اما به طور افراطی به ذکر حوادث خارق عادات در این حادثه پرداخته‌اند، نشانگر نوعی حرکت مرموزانه و پنهان برای ایجاد غفلت نسبت به اصل قیام و اهداف آن، و توجه دادن اذهان به امور و قصه‌های عجیبی است که بعضاً ریشه در اخلاقی و عادات عصر جاهلی دارند. که بر فقدان افراد مهم قبیله، حوادث عجیب را مترتب می‌کردند. در این تحلیل، این‌گونه خوارق عادات به هیچ روی، با عقل و استدلال و سند قابل اثبات نیستند و منابع شیعی بدان‌ها نپرداخته‌اند، و نقل این‌ها برای مشغول کردن اعراب و عوام الناس به این مسائل، به جای آگاه ساختن و پرداختن به فلسفه عاشورا و تبیین نهضت امام حسین علیه السلام و انگیزه این قیام الهی، بوده است. و این همان چیزی بود که حکام اموی و عباسی و مورخان وابسته به آنان به طور مرموزانه‌ای دنبال می‌کردند. این احتمال آن‌گاه بیش تر تقویت می‌شود که به این نکته توجه کنیم که این دسته از مورخان و راویان چندان هم قابل به مقام و قداست ویژه و فوق‌العاده برای امام حسین علیه السلام نبوده‌اند! (۱)

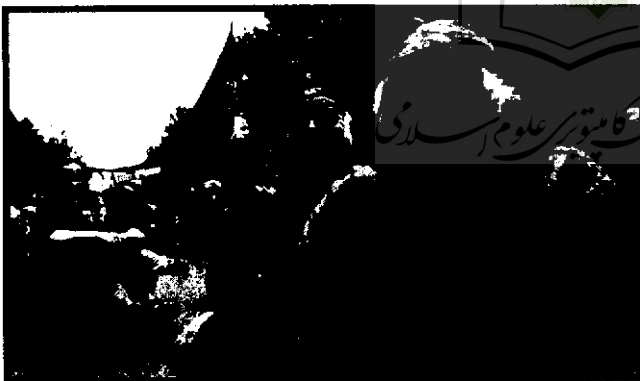
این که تحلیل یادشده تا چه حد با مستندات تاریخی قابل انطباق است و این که آیا محمل دیگری برای توجه خاص منابع سنی به خوارق عادات مترتب بر شهادت امام حسین علیه السلام می‌توان یافت یا خیر؛ نکته‌ای است که در خلال مباحث بدان پرداخته خواهد شد.

از سوی دیگر - آن‌سان که گذشت - روایات شیعه نیز، اعم از روایات رسیده از امامان شیعه علیهم السلام و یا روایات منقول از برخی از اصحاب برجسته آنان، حوادث عجیب و خوارق عادات رخ داده پس از شهادت امام حسین علیه السلام را نقل کرده‌اند و طبیعی است که این روایات محک خوبی برای سنجش و بررسی میزان درستی و اتقان روایات سنی است. در بررسی هر دو دسته روایات شیعی و سنی، می‌بایست هم جنبه سندی و هم جنبه دلالتی را مورد مذاقه قرار داد. نکته دیگر آن‌که با توجه به خارق عادت بودن این حوادث (در صورت قبول)، طبعاً باید توجیه معقولی نسبت به حادثه ارائه داد. مراد از «توجیه معقول»، نظام‌مند کردن معجزات و تطبیق آن‌ها با اصل علیت و اصل سنخیت و نیز قوانین قطعی حاکم بر نظام طبیعی است.

و در نهایت باید نگاهی به این سؤال افکنند که راز این رخدادهای عجیب پس از شهادت امام حسین علیه السلام چه بوده است؟ و آیا در حوادث دیگر نیز مثل و مانندی دارد؟
مجموع روایات شیعی و سنی را درباره رخدادهای عجیب پس از شهادت امام حسین علیه السلام می‌توان در چهارده عنوان دسته‌بندی کرد:

۱. گریه اجزای تکوینی نظام هستی؛

۲. امور خارق عادات در نظام هستی؛
 ۳. پیدایش خون در نقاط گوناگون؛
 ۴. گریه و نوحه جن و ملک و حیوانات؛
 ۵. ندای هاتفی از غیب؛
 ۶. حرکت و تموج قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛
 ۷. ظهور کف خونین و قلم آهنین و نوشتن اشعاری در رثای امام حسین علیه السلام؛
 ۸. رخدادهای عجیب مربوط به رأس‌الحسین علیه السلام و اجساد شهدا؛
 ۹. رخدادهای عجیب مربوط به تربت و قبر امام حسین علیه السلام؛
 ۱۰. رخدادهای عجیب مربوط به برخی حیوانات؛
 ۱۱. تبدل ماهیت اشیای به غارت رفته از حرم امام حسین علیه السلام؛
 ۱۲. مجازات‌های عجیب دنیوی برای قاتلان یا شاهدان قتل حسین علیه السلام؛
 ۱۳. محرومیت مخالفان شیعه از درک عید فطر اضحی؛
 ۱۴. لعن و نفرین بر قاتلان امام حسین علیه السلام توسط اجزای نظام هستی.
- آنچه اکنون بدان پرداخته می‌شود تنها اولین عنوان - یعنی گریه



اجزای تکوینی نظام هستی - است.

ابتدا نمونه‌هایی از روایات مربوط عرضه می‌گردند، سپس به نقد و بررسی هریک خواهیم پرداخت.

روایات امامان شیعه علیهم السلام

بیش‌ترین روایات در محوره‌های یادشده، مربوط به گریه اجزای نظام هستی پس از شهادت امام حسین علیه السلام است. در این روایات، گاه از گریه زمین و آسمان، و گاه از گریه آنچه در هستی است و یا گریه آنچه ما بین زمین و آسمان و آنچه در آن‌هاست، و یا گریه خورشید و ماه، و یا گریه بهشت و دوزخ سخن به میان آمده است. بسیاری از روایات رسیده از معصومان علیهم السلام متضمن گریه آسمان و زمین و دیگر اجزای هستی بر امام حسین علیه السلام است. در

این روایات، معمولاً به آیه شریفه ۲۹ سوره مبارکه «دخان» اشاره شده که فرموده: «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ» که ناظر به هلاکت فرعون و قوم اوست و این که نه آسمان و نه زمین بر آنان نگریستند و آنان از مهلت یافتگان نبودند؛ این روایات پس از اشاره به آیه یادشده، تنها دو تن را در طول تاریخ مصداق کسانی معرفی کرده‌اند که آسمان و زمین بر آنان گریسته‌اند و آن دو تن عبارتند از: حضرت یحییٰ علیهِ السَّلَام و امام حسین علیهِ السَّلَام. اکنون برخی از روایات ذکر می‌شوند:

- امیرالمؤمنین علیِّ السَّلَام آن گاه که یکی از دشمنان خدا و رسول ﷺ در حال عبور بود، این آیه را تلاوت فرمود: «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ»، و هنگامی که امام حسین علیِّ السَّلَام در حال عبور بود، فرمود: «اما زمین و آسمان بر این (اشاره به حسین علیِّ السَّلَام) خواهند گریست، و زمین و آسمان جز بر یحییٰ بن زکریا و حسین بن علی علیِّ السَّلَام نگریسته است و نخواهد گریست.» (۲)

- روایت دیگر، بنا به نقل ابن قولویه از ابراهیم نخعی، چنین است: «روزی امیرالمؤمنین علیِّ السَّلَام وارد مسجد شده و اصحابش نیز گرد حضرت نشستند. در این هنگام، امام حسین علیِّ السَّلَام وارد شده و در برابر امیرالمؤمنین علیِّ السَّلَام ایستاد. امیرالمؤمنین علیِّ السَّلَام در حالی که دست مبارک خویش را بر سر امام حسین علیِّ السَّلَام نهاده بود، فرمود: «فرزندم، خداوند اقامی را در قرآن کریم مورد سرزنش قرار داده و فرموده است: «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ»؛ قسم به خدا، که تو را خواهند کشت، سپس آسمان و زمین بر تو خواهند گریست.» (۳)

- امام سجّاد علیِّ السَّلَام پس از بازگشت از کربلا و ورود به مدینه، ضمن خطبه‌ای چنین فرمود: «ای مردم، پس از این مصیبت بی‌مانند، کدام یک از مردانتان تواند شاد بود؟ یا کدامین قلب به خاطر آن محزون نتواند بود؟ یا کدامین چشم تواند که اشکش را حبس کند؟ و یا نسبت به بارش سیل آسای اشک بخل ورزد؟ همانا آسمان‌های هفتگانه بر قتل او گریستند، و دریاها با امواجشان و آسمان‌ها با ارکانشان و زمین با پهنه وسیعش، و درختان با شاخه‌هایشان، و ماهیان اعماق دریاها و ملائکه مقرب و اهل آسمان‌ها همگی بر قتل او گریستند.» (۴)

- آن حضرت در روایتی دیگر به پدر عمرو بن بثیت فرمودند: «آسمان از بدو خلقت جز بر دو تن، یعنی یحییٰ بن زکریا و حسین بن علی علیِّ السَّلَام نگرییده، و گریه‌اش بدین صورت است که هنگام قرار گرفتن زیر آسمان، بر روی لباس چیزی شبیه اثر کک به رنگ خون مشاهده می‌شود.» (۵)

- امام باقر علیِّ السَّلَام نیز ضمن روایتی، با اشاره به بدکاره بودن مادران قاتلان انبیا و اوصیا، به گریه آسمان بر شهادت امام

حسین علیِّ السَّلَام به مدت چهل روز اشاره کرده و آن را از ویژگی‌های حضرت یحییٰ و امام حسین علیِّ السَّلَام دانسته، و در ادامه بر گریه خورشید و ملائکه اشاره کرده است. (۶)

در میان امامان شیعه علیِّ السَّلَام شاید بیش‌ترین روایات در زمینه گریه نظام هستی بر شهادت امام حسین علیِّ السَّلَام، از امام صادق علیِّ السَّلَام به دست‌مارسیده‌است. برخی از این روایات چنین است:

- امام صادق علیِّ السَّلَام به حنّان فرمود: «حسین علیِّ السَّلَام را زیارت کنید و بر او جفا موزید؛ چرا که او سید جوانان شهید - یا سید جوانان اهل بهشت - است و شبیه یحییٰ بن زکریا علیِّ السَّلَام است، و آسمان و زمین تنها بر آن دو گریسته‌اند.» (۷)

- آن حضرت در جمع برخی از اصحابشان، همچون حسین بن ابی‌فاخته و ابرسلمه سراج و یونس بن یعقوب و فضیل بن یسار، فرمود: «همانا ابا عبد الله الحسین علیِّ السَّلَام هنگامی که به شهادت رسید، آسمان‌ها و زمین‌های هفتگانه بر او گریستند، و آنچه در آسمان‌ها و زمین‌ها و در بین آن‌هاست، و آنچه در بهشت و دوزخ است و آنچه دیده می‌شود و دیده نمی‌شود، همگی بر حسین علیِّ السَّلَام گریستند، بجز سه چیز که بر حسین علیِّ السَّلَام نگریستند و آنان، بصره و دمشق و آل حکم بن ابی‌العاص بودند!» (۸)

- در روایت دیگری، امام صادق علیِّ السَّلَام به صحابی گران‌قدرش، زراره فرمود: «ای زراره، همانا آسمان، چهل روز بر حسین علیِّ السَّلَام خون گریست، و زمین چهل روز با سیاهی بر حسین علیِّ السَّلَام گریست، و خورشید چهل روز با سرخی و کسوف بر حسین علیِّ السَّلَام گریست، و کوه‌ها از هم پاشیدند و دریاها متلاطم شدند، و ملائکه چهل روز بر حسین علیِّ السَّلَام گریستند...» (۹)

- آن حضرت به داود بن فرقد نیز فرمودند: «آسمان و زمین یک سال بر حسین و یحییٰ علیِّ السَّلَام گریستند، و گریه آسمان همان سرخی آن است.» (۱۰)

- در روایتی دیگر، امام صادق علیِّ السَّلَام فرمود: «حسین و یحییٰ علیِّ السَّلَام پیش از خود همانمی‌نداشتند (لم نجعل له من قبل سمیاً) و آسمان تنها برای آن دو، چهل روز گریست، و گریه آن به این صورت بود که به هنگام طلوع و غروب سرخ رنگ بود.» (۱۱)

- آن حضرت به عبدالله بن هلال نیز فرمود: «تا چهل روز خورشید با سرخی طلوع و غروب می‌کرد، و این گریه او بود.» (۱۲)

- در روایت معروف ابن شیبب از امام رضا علیِّ السَّلَام نیز، آن حضرت به گریه آسمان‌های هفتگانه و زمین اشاره کرده‌اند. (۱۳)

- امام جواد علیِّ السَّلَام نیز در روایتی، ضمن اشاره به آیه شریفه «لم نجعل له من قبل سمیاً» و این که حضرت یحییٰ و امام حسین علیِّ السَّلَام پیش از خود همانمی‌نداشتند، فرمود: «... و آسمان و خورشید بر آن دو، چهل روز گریستند، و گریه آن‌ها به این صورت بود که خورشید به هنگام طلوع و غروب سرخ رنگ بود.» (۱۴)

- در زیارت «ناحیه مقدسه» نیز (بنا بر صحت سند آن) چنین جمله‌ای را خطاب به ابا عبد الله الحسین علیه السلام می‌بینیم: «[با شهادت تو] آسمان و ساکنانش، بهشت‌ها و نگهبانانش، کوه‌ها و کوه‌پایه‌ها، دریاها و ماهیان، شهر مکه و پایه‌هایش، بهشت‌ها و جوانانش، خانه کعبه و مقام ابراهیم، و مشعر الحرام و حلّ و حرم، جملگی بر تو گریستند.»

روایات اصحاب ائمه علیهم السلام

مسأله گریه آسمان و زمین و دیگر اجزای نظام خلقت در کلمات اصحاب برجسته امامان شیعه علیهم السلام نیز منعکس شده است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

- هنگامی که عثمان، ابوذر را به «ریزه» تبعید کرد، برخی از مردم به وی گفتند: دل خوش دار که این سختی‌ها در راه خدا اندک است. ابوذر نیز ضمن تصدیق مطلب، گفت: «ولکن شما در قبال قتل حسین علیه السلام چه خواهید کرد؟ به خدا قسم، در اسلام پس از قتل خلیفه (مراد امیرالمؤمنین علیه السلام است) کشته‌ای بزرگ‌تر از او نخواهد بود و خداوند شمشیر انتقام خود را به وسیله فردی از ذریه حسین علیه السلام بیرون خواهد کشید. و اگر بدانید که بر ساکنان دریاها و کوه‌ها و بیشه‌ها، جنگل‌ها و صخره‌ها و اهل آسمان در نتیجه قتل او چه می‌گذرد، آن‌چنان خواهید گریست تا جان از کالبدتان خارج شود...» (۱۵)

- از دیگر اصحاب برجسته امیرالمؤمنین علیه السلام میثم تمار است که ضمن سخنانی به تأثیرات عجیب قتل امام حسین علیه السلام در نظام هستی و گریه همه چیز اشاره کرده است. جمله مکیه می‌گوید: شنیدم که میثم تمار - قدس الله روحه - می‌گفت: «به خدا قسم، این امت فرزند پیامبرش را در دهم محرم خواهد کشت و دشمنان خدا آن را روز مبارک می‌دانند و این، رخ خواهد داد و مولایم امیرالمؤمنین علیه السلام مرا مطلع ساخته است که همه چیز بر حسین علیه السلام خواهند گریست، حتی وحوش بیابان‌ها و ماهیان دریاها و پرندگان آسمان، و خورشید و ماه و ستارگان، و آسمان و زمین و مؤمنان از انس و جن، و تمامی ملائکه آسمان‌ها و زمین‌ها، و رضوان و مالک و حاملان عرش، و آسمان خون و خاکستر خواهد بارید...» (۱۶)

- در خطبه حضرت زینب علیها السلام در کوفه نیز این تعبیر به چشم می‌خورد: «.. لقد جثتم شیئاً إذأ، تكادُ السمواتُ يتفطرن منهُ، و تئنسُ الارضُ و تجزُ الجبالُ...» (۱۷)؛ همانا امر ناهنجاری آوردید که بسا آسمان‌ها از هم فرو ریزند و زمین بپاشد و کوه‌ها با خاک یکسان شوند.

- شیخ صدوق طی روایتی از فاطمه بنت علی علیهما السلام چنین نقل کرده است: «[با شهادت امام حسین علیه السلام] هیچ سنگی در

بیت المقدس از زمین برداشته نشد، مگر آن‌که در زیر آن خون تازه یافت می‌شد، و نور خورشید بر روی دیوارها به رنگ سرخ همچون ملحفه‌های رنگین مشاهده می‌شد، و این چنین بود تا زمانی که علی بن الحسین علیهما السلام به همراه زنان [از شام] خارج گردید و سر امام حسین علیه السلام به کربلا بازگردانده شد.» (۱۸)

روایات اهل سنت

در منابع اهل سنت نیز روایاتی درباره گریه اجزای مختلف نظام هستی پس از شهادت امام حسین علیه السلام به چشم می‌خورند که برخی از آن‌ها مرور می‌شوند:

- در صحیح مسلم، در تفسیر آیه شریفه «فما بكت عليهم السماء و الارض» (دخان:

۲۹) به نقل از سدی آمده است: «هنگامی که امام حسین علیه السلام به قتل رسید، آسمان گریست و گریه آن همان سرخی اوست.» (۱۹)
- در تفسیر ثعلبی نیز در ذیل آیه یادشده آمده است: «هرگاه مؤمن رحلت می‌کند، آسمان و زمین تا چهل روز بر او می‌گریزند، و سپس به نقل از عطاء آمده است: «گریه آسمان همان سرخی اطراف آن است.» (۲۰)

- از محمد بن سیرین نیز نقل شده است: «آسمان پس از یحیی بن زکریا بر کسی جز حسین بن علی علیهما السلام نگریست.» (۲۱)
- همچنین از وی نقل شده است که به هشام بن محمد گفت: «آیا می‌دانی سرخی در آفاق از چیست؟ این سرخی از روز قتل حسین علیه السلام پدید آمده است.» (۲۲)

- در بسیاری از منابع اهل سنت از علی بن مسهر قرشی نقل شده است که از جدّه‌اش، ام حکیم، چنین روایت کرده: «به هنگام شهادت امام حسین علیه السلام من دختر جوانی بودم و آسمان به مدت چند روز همچون لخته خون بود، و در بعضی روایات، مدت یک سال و نه ماه آمده و در بعضی دیگر، مدت هفت روز و شب آمده است.» (۲۳)

- از خلاد صاحب السمس نیز نقل شده که از مادرش چنین روایت کرده است: «برای مدتی پس از قتل حسین علیه السلام، نور خورشید در هر صبح و شام به رنگ سرخ بر روی دیوارها ظاهر می‌شد و هیچ سنگی برداشته نمی‌شد، جز آن‌که زیر آن خون تازه یافت می‌شد.» (۲۴)

- اسود بن قیس نیز گفته است: «آفاق آسمان به مدت شش ماه پس از قتل حسین علیه السلام سرخ رنگ بود، گویا که خونین است.» (۲۵)

□
در میان
امامان شیعه علیهم السلام
شاید بیش‌ترین
روایات در زمینه
گریه نظام
هستی بر شهادت
امام حسین علیه السلام، از امام
صادق علیه السلام به دست ما
رسیده است.



- عیسی بن حارث کندی نیز گفته است: «پس از قتل حسین علیه السلام به مدت هفت روز، آن گاه که نماز عصر را ادا می کردیم و به خورشید می نگریستیم، نور آن را بر روی دیوارها همچون ملحفه های رنگین می دیدیم، و ستارگان نیز بعضی به بعضی دیگر برخورد می کردند.» (۲۶)

- و از جمیل بن زید نیز نقل کرده اند: «آسمان به هنگام قتل حسین علیه السلام سرخ رنگ شد.» (۲۷)

یزید بن ابی زیاد نیز گفته است: «آن گاه که حسین علیه السلام به قتل رسید، من چهارده ساله بودم... و آفاق آسمان سرخ رنگ شد...» (۲۸)

- در روایت ابی معمر نیز چنین آمده است: «آسمان به مدت یک ماه پس از قتل حسین علیه السلام سرخ رنگ بود.» (۲۹)

- در حدیث عثمان بن ابی شیبه مدت سرخی بر روی دیوارها، هفت روز گزارش شده است. (۳۰)

- ابراهیم نخعی نیز در این باره گفته است: «پس از قتل حسین علیه السلام

اقطار آسمان سرخ رنگ شد، و این وضع همچنان ادامه داشت. آن گاه آسمان شکافته شد و از آن خون بارید.» (۳۱)
- و اسعد بن قیس نیز چنین روایت کرده است: «آن گاه که حسین علیه السلام کشته شد، یک سرخی از جانب مشرق، و سرخی دیگر از جانب مغرب برخاست و در دل آسمان با یکدیگر متلاقی می شدند.» (۳۲)

- سیوطی، از عالمان پر تألیف اهل سنت، پس از اشاره اجمالی به شهادت امام حسین علیه السلام (به این دلیل که قلب، تحتل ذکر تفصیلی آن را ندارد) به حوادث پس از شهادت اشاره کرده است: «آن گاه که حسین علیه السلام به قتل رسید، نور خورشید به مدت هفت روز بر روی دیوارها همچون ملحفه های رنگین بود و ستارگان به یکدیگر برخورد می کردند، و قتل حسین در روز عاشورا اتفاق افتاد و در این روز، خورشید دچار کسوف شد و آفاق آسمان به مدت شش ماه پس از قتل او سرخ رنگ بود و سپس این سرخی پس از آن، همچنان در آسمان دیده می شود، در حالی که پیش از قتل حسین علیه السلام چنین چیزی در آسمان دیده نمی شد.» (۳۳)

- ابن ابی الدنيا نیز روایت کرده است: «آسمان و زمین نگریستند، جز بر دو تن، و گریه آسمان آن است که همچون چرم دباغی شده سرخ رنگ می شود. و هنگامی که یحیی بن زکریا علیه السلام کشته شد، آسمان سرخ شد و خون بارید. و هنگامی که حسین بن

علی علیه السلام کشته شد، آسمان سرخ قام شد.» (۳۴)

بلاذری و خطیب بغدادی نیز گفته اند: «این سرخی شفق که [در افق آسمان] است، قبل از قتل حسین علیه السلام وجود نداشت.» (۳۵)

- ابن اثیر نیز گفته است: «به مدت دو یا سه ماه پس از قتل حسین علیه السلام به هنگام طلوع خورشید تا آن گاه که خورشید بالا بیاید، گویا دیوارها آغشته به خون بودند.» (۳۶)

ابن سعد نیز سرخی در آسمان را مربوط به پس از قتل امام حسین علیه السلام دانسته است. (۳۷)

اشعار

خون گریستن هستی در شهادت سید شهیدان در اشعار شعرا نیز منعکس شده است که برای نمونه، به مواردی اشاره می شود:

سلیمان بن قتیبه عدوی، سه روز پس از عاشورا، آن گاه که به کربلا رسید و محل شهادت شهدا را دید، چنین سرود:

«مررت علی ابیات آل محمد
فلم أرها امثالها یوم حلت
آلم تر أن الشمس اضحت مریضه

نفتقد حسین و البلاد اقشعرت»؛ (۳۸)
بر خانه های آل محمد علیهم السلام عبور کردم، ولی آن ها را همچون روز اول ندیدم. آیا نمی بینی که خورشید به خاطر فقدان حسین علیه السلام مریض شده و سرزمین ها به لرزه درآمده اند؟
و در اشعار سید حمیری چنین آمده است:

«بکت الارض فسقده و بکته
بأحمرار له نواحی السماء
بکته فسقده اربعین صباحاً

کل یوم عند الضحی و المساء»؛ (۳۹)
زمین بر فقدان حسین علیه السلام گریست و نواحی آسمان نیز با سرخی بر او گریستند. زمین و آسمان تا چهل روز هر صبح و شام بر فقدان حسین گریستند.

ابوالعلاء معری نیز گفته است:

«و علی الذهر من دماء الشهداءین
علی و نجله شاهدان
و هما فی اواخر اللیل فجران
و فی اولیاته شفقان»؛ (۴۰)



لحاظ، شاید تلاش برای نقد سندی این روایات چندان ضروری و سودمند نباشد؛ چرا که می‌توان نسبت به اصل مدعای این روایات، ادعای تواتر معنوی کرد.

مدت زمان گریه

اما همان‌گونه که از بررسی روایات یادشده به دست می‌آید، اختلافاتی در مضامین این روایات به چشم می‌خورد. یکی از بارزترین وجوه اختلاف روایات، اختلاف در مدت زمان این حادثه است. در روایات رسیده از امامان شیعه علیهم‌السلام سه گونه تعبیر دیده می‌شود:

۱. نسبت دادن گریه به زمین و آسمان و دیگر اجزای هستی بدون اشاره به محدوده زمانی؛
 ۲. تقیید گریه آسمان و زمین به مدت یک سال؛
 ۳. تقیید به مدت چهل روز.
- تعداد روایات دسته سوم بیش تر است. اما روایات رسیده از اصحاب ائمه، از جمله روایت ابوذر و میثم تمّار عاری از هرگونه تقیید زمانی هستند و روایت فاطمه بنت علی علیها السلام به زمان بازگشت اهل بیت علیهم‌السلام به مدینه مقید است.

در روایات منقول در منابع اهل سنت - چنان‌که گذشت - نیز چند تعبیر به چشم می‌خورد:

۱. بدون تقیید به زمانی معین؛
۲. ذکر مدت چند روز؛
۳. ذکر مدت هفت روز؛
۴. ذکر مدت یک ماه؛
۵. ذکر مدت چهل روز؛
۶. ذکر مدت دو یا سه ماه؛
۷. ذکر مدت یک سال و نه ماه.

بدین سان، این پرسش مطرح می‌شود که سر این اختلافات در محدوده زمانی گریه هستی - به ویژه گریه آسمان و خورشید - چیست؛ اختلافی که در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز به چشم می‌خورد؟

یک توجه کلی درباره اختلافات یادشده در روایات می‌تواند این باشد که هر قدر به زمان حادثه نزدیک تر می‌شویم، تأثیر عظمت مصیبت بر اجزای هستی نیز بیش تر می‌شود. بدین روی، برخی از خوارق عادات که مترتب بر شهادت امام حسین علیه السلام بودند و در نظام هستی در روزهای پس از شهادت رخ نمودند، محدود به همان روزهاست؛ حوادثی همچون زلزله، کسوف، بادهای سرخ و سیاه و بارش خون و خاکستر. از این رو، می‌توان گفت: نماد گریه هستی، که همان خون نما بودن خورشید و نور آن بر روی دیوارهاست، در روزهای اولیه پس از شهادت امام حسین علیه السلام شدیدتر بود. برای نمونه، می‌توان به برخی از روایات موجود در



خون‌های دو شهید، یعنی علی علیه السلام و فرزندش، دو شاهد و حجت بر زمانه‌اند. این دو شهید در اواخر شب دو فجر و سپیده، و در اوایل شب دو شفق (در افق) اند.

- عبدالحسین حویزی چنین سروده است:

«أَيُّهَا السَّائِلُ عَنِ افِقِ السَّمَاءِ

كَيْفَ ابْدَتْ حَمْرَةَ بِالشَّفَقِ

و صحیح القول عندي أَنَّهُا

حَمْرَةٌ مِنْ دَمْعِهَا الْمُنْطَلِقِ

لَمْ تَنْزَلْ تَبْكِي دَمًا أَعْيُنُهَا

بَدَمٍ مِنْهُ ثَرَى الْوَلْفِ شَقِيٍّ» (۴۱)

ای آن‌که درباره سرخی شفق در افق آسمان می‌پرسی، سخن درست در این باره نزد من آن است که این سرخی ناشی از اشک جاری آسمان است، و همواره از چشمان آسمان خونی جاری است که سرزمین طف با آن سیراب می‌شود.

نقل و تحلیل روایات

از روایاتی که گذشت می‌توان چنین استنباط کرد که اصل مسأله گریه هستی - به ویژه زمین و آسمان - بر شهادت امام حسین علیه السلام امری قطعی است؛ زیرا روایات بسیاری از جانب امامان شیعه علیهم‌السلام، اصحاب آنان و راویان غیر شیعی در این زمینه صادر شده که در مجموع، گریه نظام هستی بر حادثه قتل حسین علیه السلام را مسجّل می‌کنند. به ویژه آن‌که بعضی از این روایات دارای سند صحیح بوده و یا در منابع معتبری همچون کامل الزیارات نقل شده‌اند و بدین

منابع غیر شیعی اشاره کرد که سرخی خورشید در روزهای پس از شهادت را به «علقم» (خون بسته) و یا به «ورده کالدهان» (چرم دباغی شده و به رنگ سرخ) یا به «ملاحف معصفرة» (ملحفه‌های رنگین به رنگ گل معصفر) تشبیه کرده‌اند. از سوی دیگر، این مضمون در برخی روایات هست که سرخی شفق که پس از قتل امام حسین علیه السلام ظاهر شد، همچنان ادامه دارد، در حالی که شدت این سرخی امروزه در حدی نیست که بتوان آن را به «علقم» یا مثل آن تشبیه کرد. بدین لحاظ، می‌توان گفت: اختلاف روایات به دلیل کاسته شدن از شدت آثار پدید آمده در نظام هستی با گذشت زمان، و تحدید زمانی روایان بسته به نوع تلقی خویش از مدت زمان سرخی خورشید بوده است.

آنچه به عنوان مؤید توجیه مزبور می‌تواند مطرح شود، سخن پیش گفته از سیوطی است که ابتدا مدت هفت روز را برای رنگین بودن نور خورشید و جلوه آن بر روی دیوارها، همچون «ملاحف معصفرة» ذکر می‌کند و سپس می‌گوید: «أفاق آسمان به مدت شش ماه پس از شهادت حسین علیه السلام سرخ رنگ بود و سپس این سرخی همچنان در آسمان دیده می‌شود، در حالی که قبلاً چنین نبود.» سخن سیوطی صراحت در این دارد که وضعیت نور خورشید در هفت روز اول با مدت شش ماه بعد متفاوت بوده؛ چنان که وضعیت آن پس از شش ماه نیز می‌بایست با مدت قبل متفاوت بوده باشد، وگرنه تحدید به مدت شش ماه وجهی ندارد.

سوالی که هم اینک فراروی ماست این است که با فرض قبول پیدایش تغییراتی در آسمان در روزها یا ماه‌های پس از شهادت امام حسین علیه السلام، آیا می‌توان پذیرفت که هنوز هم سرخی افق به هنگام طلوع و غروب خورشید، ناشی از خُزن و گریه آسمان و خورشید بر شهادت امام حسین علیه السلام است؟ و در صورت طرح چنین ادعایی، آیا می‌توان پذیرفت که این سرخی قبل از شهادت آن حضرت وجود نداشته؟ در این صورت آیا باید مدعی بروز امری خارق عادت در تمامی مدت ۱۳۶۳ سال پس از شهادت آن حضرت شویم؟ و آیا می‌توان اثبات کرد قوانین طبیعی و فیزیکی قبل از شهادت آن حضرت اقتضای چنین امری را نداشته است؟ با تأمل در روایات اهل بیت علیهم السلام و اصحاب ایشان، نمی‌توان تصریحی بر استمرار سرخی تا عصر حاضر یافت. جز این که بعضی روایات مطلقاً و مقید به زمان خاصی نیستند؛ اما در تعابیر برخی از روایان، شعرا و مؤلفان اهل سنت، همچون ابن سیرین، بلاذری، خطیب بغدادی، ابوالعلاء معری، سیوطی و ابن سعد - همان گونه که گذشت - می‌توان چنین تصریحی یافت. بدین ترتیب نمی‌توان دلیل قطعی از روایات تاریخی برای اثبات چنین امر خارق عادت در طول قرن‌های یادشده ارائه داد؛ و گزارش‌های یادشده چیزی فراتر از حدس و ظن به دست نمی‌دهد. اما در صورت قبول، این روایات چنین قابل توجیه‌اند که آنچه در دوره‌های

بعد در افق آسمان پدید آمده، شدت سرخی به هنگام طلوع و غروب بود که ناشی از شهادت امام حسین علیه السلام بوده است؛ گرچه وجود اصل سرخی در ادوار پیش از شهادت نفی نشود.

محدوده گریان از اجزای هستی

نکته دیگری که درباره روایات یادشده مطرح می‌باشد، تعابیر گوناگونی است که در ارتباط با محدوده اجزای هستی، که در شهادت امام حسین علیه السلام گریستند، به چشم می‌خورد. برخی از روایات به طور کلی، به گریه آسمان و زمین اشاره کرده‌اند، اما در برخی تعابیر دیگر تعابیر بسیار عام هستند و تمامی پهنه هستی را شامل می‌شوند. در جمع‌بندی روایات، می‌توان به این نتیجه رسید که:

آسمان و زمین، خورشید، ستارگان، آسمان‌ها و زمین‌های هفت‌گانه، آنچه در آن‌ها و بین آن‌هاست، آنچه دیده می‌شود و آنچه دیده نمی‌شود، بهشت، دوزخ، ارکان آسمان، پهنه زمین، دریاها و ساکنان آن‌ها، ماهیان اعماق دریا، کوه‌ها و کوهپایه‌ها و بیشه‌ها، جنگل‌ها و صخره‌ها، درختان با شاخه‌هاشان، همه اهل آسمان‌ها، تمامی ملائکه آسمان و زمین، وحوش بیابان، مؤمنان انس و جن، رضوان، مالک، حاملان عرش، بهشت‌ها و نگهبانانشان، جوانان بهشت، کعبه، مقام ابراهیم، مشعرالحرام، حل، حرم و ملائکه مقرب در شهادت امام حسین علیه السلام گریستند. دقت در این تعابیر، نشانگر آن است که امامان شیعه علیهم السلام سعی داشته‌اند عظمت حادثه کربلا و تأثیرات عجیب آن را در کل نظام هستی برای دیگران تبیین نمایند.

تبیین و توجیه گریه هستی

اما گریه اجزای گوناگون هستی چگونه قابل تبیین و توجیه است؟ آیا نه این است که گریه را تنها باید به موجودات ذی‌شعور نسبت داد؛ بدین سان، چگونه می‌توان - مثلاً - خورشید را یا ستارگان را و کوه‌ها و جنگل‌ها و حیوانات را گریان دانست؟ دشواری قبول این سخن، که جمادات و موجودات ظاهراً بی‌شعور نیز می‌گریند، سبب آن شده است که برخی با تقدیر گرفتن مضاف، مثلاً، تعبیر «بکت السماوات و الارضون» را به «بکی اهل السماوات و الارضون» تفسیر کنند، و برخی دیگر تعبیر گریه آسمان و زمین و اجزای هستی را تعبیری کنایی بدانند. برخی هم اسناد گریه به آسمان و زمین را تنها رسمی باقی‌مانده از عصر جاهلی بدانند که در آن عصر، مردم برای تعظیم برخی شخصیت‌ها پس از مرگشان می‌گفتند: آسمان و زمین در مرگ او گریستند و قرآن نیز بر همین اساس، برای تحقیر فرعونیان و این که در اثر هلاکت آن‌ها، تعبیری در نظام هستی پدید نیامد و اصلاً وجود آنان ارزشی نداشت که در نظام هستی، فقدانشان ایجاد خلل و خلأ کرده باشد؛ اشاره می‌کند که اگر آسمان و زمین قابلیت گریه کردن داشتند، در

فقدان فرعونیان نمی‌گریستند. (۴۲)

بنابراین، هر سنخ از موجودات، آنچه دیدنی است و آنچه نادیدنی است - چنان‌که در روایت از امام صادق علیه السلام گذشت - به نحوی بر این مصیبت می‌گریزد. راز این گریه نیز اظهار عظمت مصیبت است، به نحوی که در جزء جزء عالم هستی دارای تأثیر بوده است. اما در نظام هستی، با هلاکت کفار و فرعونیان خلای پدید نمی‌آید. از این‌رو، فرمود: «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ».

اختصاص گریه هستی بر امام حسین علیه السلام و یحیی بن زکریا علیه السلام

از همین‌جا، سر اختصاص گریه هستی برای امام حسین علیه السلام و یحیی بن زکریا علیه السلام روشن می‌شود. گرچه عظمت شهادت امام حسین علیه السلام آن‌چنان بوده که نظام هستی، حتی در شهادت حضرت یحیی علیه السلام نیز همچون گریه‌اش بر شهادت امام حسین علیه السلام نگریست و روایات شاهد بر این مدعا‌یند. البته بنا بر برخی روایات، بعضی از اجزای هستی به هنگام رحلت مؤمن، برای فقدان او می‌گریزند؛ چنان‌که ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است: «هر مؤمنی را در آسمان دری است که محل صعود اعمال و نزول رزق اوست، و به هنگام مرگ وی، این قسمت از آسمان و محل نماز مؤمن در زمین در مرگ او می‌گریزند.» (۴۶) ولی همان‌گونه که روشن است، این روایت از گریه بخش خاصی از نظام هستی بر فقدان مؤمن حکایت دارد و نه تمام هستی؛ و گریه تمام نظام هستی از ویژگی‌های امام حسین علیه السلام است.

انگیزه اهل سنت در نقل این روایات

سخن پایانی بازگشتی است به آنچه در ابتدای این مقاله درباره تبیین و تحلیل برخی از محققان معاصر نسبت به عنایت خاص منابع اهل سنت درباره رخدادهای عجیب پس از شهادت امام حسین علیه السلام ارائه شد، مبنی بر این‌که این عنایت ویژه در این منابع به دلیل منصرف کردن اذهان از فلسفه اصلی قیام امام حسین علیه السلام بوده است. اما به نظر می‌رسد اگر قدری واقع‌بینانه‌تر به روایات شیعی و سنی در زمینه مورد بحث بنگریم - به ویژه با قطعی بودن برخی از این حوادث و خوارق عادات، و تواتر معنوی روایات مربوط (۴۷) - می‌توان توجه خاص راویان و مؤلفان اهل سنت به این بحث را ناشی از محسوس و عیان و انکارناپذیر بودن این حوادث از سویی، و جایگاه رفیع حسین بن علی علیه السلام، حتی در میان گروه‌های غیرشیعی، از سوی دیگر دانست. همین جایگاه رفیع است که بسیاری از عالمان غیرشیعی را به لعن قاتلان حسین بن علی علیه السلام و از جمله یزید بن معاویه واداشته است، در حالی‌که لعن خلفا با مبنای آنان چندان سازگار نیست. (۴۸)

اما با توجه به شواهد موجود در روایات، به نظر می‌رسد مانعی از حمل روایات و آیه شریفه بر معنای ظاهری و حقیقی آن در میان نباشد. ظاهر روایاتی که گذشت این است که آسمان به واقع بر قتل امام حسین علیه السلام گریست، و گریه آن به صورت سرخی افق به هنگام طلوع و غروب خورشید ظاهر شد؛ چنان‌که از گریه دریاها به تلاطم آن، و از گریه کوه‌ها به متلاشی شدنشان، و از گریه زمین به سیاهی و خاکستری شدن آن تعبیر شده است.

علاوه بر این، با عنایت به اصل ذی شعور بودن نظام هستی، اعم از حیوان و نبات و جماد، که از آیات متعدد قرآن قابل استفاده است و آیاتی همچون «إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» (اسراء: ۴۴) یا «يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (جمعه: ۱) و تبیین فلسفی این مسأله توسط مآصدرا در حکمت متعالیه (۴۳)، می‌توان گریه هستی بر قتل امام حسین علیه السلام را نه بر معنای کنایی تخیلی، بلکه بر معنای حقیقی آن حمل کرد، اما با این تبیین که «بِكَاءٍ كُلِّ شَيْءٍ بِحَسَبِهِ»؛ گریه هر سنخ از موجودات متناسب با همان سنخ است. البته اسناد این‌گونه امور به فاعل‌های طبیعی و جمادات، نیازمند اثبات علت غایی برای آن‌هاست؛ و در این‌که بتوان برای فاعل‌های طبیعی، قایل به علت غایی بود، اشکالاتی مطرح شده، به ویژه بر اساس مسلک ملاصدرا که مرتبه‌ای از علم و شوق را برای موجودات مادی اثبات کرده؛ در حالی‌که وی، علم را نوعی وجود مجرد می‌داند. و برخی از محققان، برای تصحیح اسناد علت غایی به فاعل‌های طبیعی، مبادی علمی در فاعل‌های طبیعی را به فاعل مسخر نسبت داده‌اند، که در نهایت به ذات واجب تبارک و تعالی منتهی می‌شود. (۴۴)

درباره سرخی افق، پس از قتل امام حسین علیه السلام تبیین بدوی این است که رنگ سرخ نمادی از خون است و چون قیام حسینی آمیخته با ایثار خون بوده و این خون همواره زنده است، از این‌رو، خورشید و نور آن به هنگام طلوع و غروب، خون نما می‌شده است و هنوز نیز ادامه دارد.

تبیین ذوقی دیگری توسط ابن جوزی مطرح شده است، به این صورت که انسان در نتیجه غضب، دچار سرخی صورت می‌شود و خداوند متعال از آن‌رو که منزّه از جسمانیت است، غضب او در قتل امام حسین علیه السلام به صورت سرخی آفاق آسمان ظاهر شد تا عظمت جنایت را حکایت کند. (۴۵)

با توجه به آنچه گذشت، سؤال از امکان تحقق گریه در نظام هستی پس از شهادت حسین بن علی علیه السلام نیز پاسخ داده شد. اگر نظام هستی صاحب شعور است:

ما سمیعیم و بصیر و یا هشیم

با شما نامحرمان ما خامشیم

پی نوشتها

- ۱- اصغر قائدان، «تأملی چند پیرامون گزارش حادثه کربلا در منابع مورخان اهل سنت»، مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵، دفتر سوم، ص ۷۲-۷۰.
- ۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، تهران، اسلامیة، ۱۳۸۵ ق، ج ۴۵، ص ۲۰۱، باب ۴۰، ج ۱.
- ۳- همان، ج ۴۵، ص ۲۰۹، باب ۴۰، ج ۱۶ به نقل از جعفر بن محمد بن قولویه قمی (م ۳۶۷ق)، کامل الزیارات، تصحیح علامه امینی، نجف، مرتضویه، ۱۳۵۶ ق، باب ۲۸، ص ۸۹.
- ۴- عبدالله بحرانی، عوالم العلوم و المعارف، جلد «امام حسین علیهما السلام»، ص ۴۵۹، ج ۸.
- ۵- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۲۱۱، باب ۴۰، ج ۲۶ به نقل از کامل الزیارات، ص ۹۰، باب ۲۸، ج ۱۲.
- ۶- همان، ج ۱۴، ص ۱۸۲، ج ۲۵، به نقل از: قطب الدین راوندی، قصص الانبیاء، تصحیح غلامرضا عرفانیان، قم، الهادی، ۱۴۱۸، به نقل از شیخ صدوق.
- ۷- جعفر بن محمد بن قولویه، پیشین، باب ۲۸، ص ۲۸ / ۹۱ / محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۲۰۱، باب ۴۰، ج ۲ / عبدالله بحرانی، پیشین، جلد «امام حسین علیهما السلام»، ص ۴۶۰، ج ۱۱. روایات دیگری قریب به همین مضمون از آن حضرت رسیده است. برای نمونه. رک: قصص الانبیاء، ص ۲۲۲ / بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۱۸۳، ج ۲۶ و ۲۷.
- ۸- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۲۰۲، باب ۴۰، ج ۳ به نقل از شیخ مفید از امالی و ص ۲۰۶، ج ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ به نقل از کامل الزیارات، باب ۲۸. در برخی از این احادیث، تعبیر «بکی جمیع ما خلق الله» آمده است.
- ۹- همان، ج ۴۵، ص ۲۰۷-۲۰۶، باب ۴۰، ج ۱۳.
- ۱۰- همان، ج ۴۵، ص ۲۱۰، باب ۴۰، ج ۲۱، به نقل از کامل الزیارات، باب ۲۸، ص ۹۳.
- ۱۱- جعفر بن محمد بن قولویه، باب ۲۸، ص ۹۰.
- ۱۲- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۲۱۰، باب ۴۰، ج ۱۸ به نقل از کامل الزیارات، باب ۲۸، ص ۹۰.
- ۱۳- همان، ج ۴۴، ص ۲۸۶ و ج ۴۵، ص ۲۰۱، باب ۴۰، ج ۲.
- ۱۴- همان، ج ۴۵، ص ۲۱۸، باب ۴۰، ج ۲۵ به نقل از قصص الانبیاء.
- ۱۵- همان، ج ۴۵، ص ۲۱۹، باب ۴۰، ج ۲۷ به نقل از کامل الزیارات، ص ۷۴، باب ۲۳، ج ۱۱.
- ۱۶- همان، ج ۴۵، ص ۲۰۲، باب ۴۰، ج ۴، به نقل از شیخ صدوق، علل الشرائع و امالی.
- ۱۷- عبدالرزاق موسوی مقرّم، مقتل الحسین، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۳۸۳، ص ۴۰۴، به نقل از شیخ طبرسی، الاحتجاج، نجف، ص ۱۶۶.
- ۱۸- محمدجواد محمودی، ترتیب الامالی، مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۲۰ ق، ج ۵، ص ۲۲۰، ج ۲۴۲۶ به نقل از شیخ صدوق، امالی، مجلس ۳۱، ج ۳.
- ۱۹- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۲۱۷، باب ۴۰، ج ۴، به نقل از صحیح مسلم، اول جزء پنجم / ابن بطریق اسدی حلی، العمدة، (م حدود ۶۰۰ ق)، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۷، ص ۴۰۵، ج ۸۳۵ / محمدطاهر قمی شیرازی، الاربعین فی امامة الائمة الطاهرين، تحقیق سیدمهدی رجائی، قم، محقق، ۱۴۱۸، ص ۲۸.
- ۲۰- ابن بطریق اسدی حلی، پیشین، ص ۴۰۵، ج ۸۳۶ / سیدعلی بن طاووس حسینی، الطرائف، قم، خیام، ص ۲۰۳، ج ۲۹۳.
- ۲۱- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ترجمه الامام الحسین علیهما السلام، تحقیق محمدباقر محمودی، ص ۳۵۳.
- ۲۲- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۲۱۹، باب ۴۰، ج ۴۹ / شمس الدین محمدبن احمد ذهبی (م ۷۴۸ ق)، تاریخ الاسلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۸ ق، ج ۵، ص ۱۵ / شیخ مفید، الارشاد، قم، تحقیق آل البیت، نشر دارالمفید، ج ۲، ص ۱۳۲ / نورالدین هیشمی، مجمع الزوائد و منبع القوائد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۱۹۷.
- ۲۳- ابن عساکر، پیشین، ترجمه الامام الحسین علیهما السلام، ص ۳۵۵، ج ۲۸۹ و ص ۳۵۶، ج ۲۹۲ / محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۲۱۰، باب ۴۰، ج ۱۹ به نقل از: کامل الزیارات، ج ۴۵، ص ۲۱۶.

- باب ۴۰، ج ۳۹، به نقل از ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، نجف، حیدریه، ج ۳، ص ۲۱۳ / نورالدین هیشمی، پیشین، ج ۹، ص ۱۹۶ / جزء علی بن محمد حمیری (م ۳۳۳) تحقیق ابوطاهر زبیر بن مجدد علیزنی، ۱۴۱۳، ریاض، دارالطحاوی، حدیث اکادمی، ص ۳۳.
- ۲۴ و ۲۵- تاریخ مدینه دمشق، ترجمه الامام الحسین علیهما السلام، ص ۳۵۵، ج ۲۹۱ / ص ۳۵۶، ج ۲۹۲.
- ۲۶- همان، ص ۳۵۶، ج ۲۹۲ / احمد ذهبی، پیشین، ج ۵، ص ۱۵ / سیدهاشم بحرانی (م ۱۱۰۷)، مدینه المعجز، تحقیق عزت الله مولائی همدانی، نشر مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۷، ج ۱۲۱۴ / نورالدین هیشمی، پیشین، ج ۹، ص ۱۹۷ / علی بن عیسی اورسلی (م ۶۹۳)، کشف الغمّة فی معرفة الائمة الطاهرا، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۲۶۸.
- ۲۷- نورالدین هیشمی، پیشین، ج ۹، ص ۱۹۷، به نقل از طبرانی، معجم کبیر، ج ۳، ص ۱۱۳، ج ۲۸۳۷.
- ۲۸- تاریخ مدینه دمشق، ترجمه الامام الحسین علیهما السلام، ص ۳۶۵، ج ۳۰۴ / محمدبن جریر طبری شیبی (اوائل قرن ۴)، دلائل الامامة، قم، مؤسسه البیئة، ۱۴۱۳، ص ۱۷۹ / محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۲۱۶ / قاضی نعمان بن محمد مغربی (م ۳۶۳)، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار علیهم السلام، تحقیق سید محمدحسینی جلالی، قم، جامعه مدرسین، ج ۳، ص ۵۴۱، ج ۱۰۹ و ص ۵۴۴، ج ۱۱۱۵ / یحیی بن مرزبان، تاریخ، تحقیق عبدالله احمد حسن، دارالقلم، ج ۱، ص ۳۶۱، ج ۲۴۳۵.
- ۲۹- قاضی نعمان مغربی، پیشین، ج ۳، ص ۱۶۹، ج ۱۱۱۵.
- ۳۰- مولی حیدر علی شیروانی (م ۱۲۰۰)، مادونة العامة من مناقب اهل البيت علیهم السلام، تحقیق شیخ محمد حسون، مطبعة المنشورات الاسلامیة، ۱۴۱۴، ص ۲۴۸.
- ۳۱- ابویشر محمدبن احمد بن حماد دولابی (م ۳۱۰)، الذریة الطاهرة النبویة، تحقیق سعد مبارک حسن، کویت، الدار السلفية، ۱۴۰۷، ص ۹۷.
- ۳۲- ابو اسحاق اسفراینی (قرن ۱۰)، نورالعین قمی مشهد الحسین علیهما السلام، تونس، نشر المنار، ص ۷۶.
- ۳۳- جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱)، تاریخ الخلفاء، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، قم، نشر رضی، ۱۴۱۱، ص ۲۰۷.
- ۳۴- شرح الاخبار، ج ۳، ص ۵۶۶، ج ۱۱۲۵.
- ۳۵- منیر الاحزان، ص ۶۲.
- ۳۶- ابن اثیر، الکامل، تحقیق ابی الفداء عبدالله القاضی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۴۱.
- ۳۷- مولی حیدرعلی شیروانی، پیشین، ص ۲۴۹.
- ۳۸- ابن نما الحلّی (م ۶۴۵)، مشیر الاحزان، نجف، حیدریه، ۱۳۶۹، ص ۸۸.
- ۳۹ و ۴۰- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، پیشین، ج ۳، ص ۲۱۳.
- ۴۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۰/۱۲/۲۸، مقاله حسین سعید، «گریه آسمان بر حسین علیهما السلام»؛ ادعا یا واقعت، ترجمه ت. آزاد اردبیلی.
- ۴۲- رک: سید محمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ج سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ج ۱۸، ص ۱۵۰-۱۵۱ / ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸)، مجمع البیان، ترجمه گروهی، تهران، نشر فرهاسانی، ۱۳۵۰-۱۳۶۰، ج ۲۲، ص ۳۰۳ / ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۵۳-۱۳۶۶ / محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۸۲، ج ۲۵ / ابوجعفر محمدبن حسن طوسی (م ۴۶۰)، الثبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۱، ص ۱۷۹، تحقیق احمد حبیب قصیرالعاملی، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۲۳۳.
- ۴۳- صدرالدین محمد شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، قم، مصطفوی، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۳، ۲۷۸ و ص ۲۳۲-۲۴۶، و ج ۷، ص ۱۴۸، ۱۶۸.
- ۴۴- رک: محمدتقی مصباح، تعلیقة علی نهاية الحکمة، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۴۰۵، ص ۲۶۰-۲۶۱.
- ۴۵- رک: مولی حیدرعلی شیروانی، پیشین، ص ۲۴۸-۲۵۲.
- ۴۶- فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸)، پیشین، ج ۹، ص ۱۰۹.
- ۴۷- رک: محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۲۱۹، باورفی آخر باب ۴۰.
- ۴۸- جلال الدین سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۲۰۹-۲۰۷.